

بالاحصار کابل

- ۹ -

پیش آمد های تاریخی

جلد دوم

از آغاز دوره صد وزائی تا خراب شدن بالاحصار از طرف انگلیس ها

✽ ✽ ✽

ارتباط و تسلسل واقعات: پیش آمد های تاریخی با مرور زمانه گذران

در هر نقطه ای از نقاط جهان تسلسلی دارد و مرتب ساختن آن کرونولوژی تاریخ را تشکیل میدهد. بالاحصار که آنرا به شکل يك نقطه در شهر کابل و کابل را به مثابه يك دایره در محیط خاک های افغانستان انتخاب کرده و پیش آمد های تاریخی را در مرور سال و ماه در آن دو حلقه کوچک و بزرگ ولی متمرکز تعقیب میکنیم ارتباط و تسلسلی میخواهد دقیق که حفظ آن در قدم اول برای تدوین این اثر بوجه احسن کمال اهمیت دارد زیرا تعقیب واقعات تاریخی در نقاط کوچکی چون حدود يك قلعه در يك شهر که در میان جریانات مهم و عمومی پیچیده و مملوف است کمتر بدست می آید و زودتر از نظر فرار میکنند و غالباً میسر نمیشود. بنابراین ضبط و ثبت آن در يك موقع معین در دفتر خاطرات زمانه گذران با تمام اشکالی که در حلقه نفس الخوان دارد تسلسل و ارتباط خاصی میخواهد که در چوکات تاریخ کوچک محلی و در محیط بزرگ تاریخ عمومی مترتب و مرتب باشد. همانطور که در مقدمه جلد اول این اثر ذکر کردیم باینکه مرام اصلی تعقیب واقعات و پیش آمد های تاریخی در يك نقطه معین یعنی بالاحصار کابل است ولی تسلسل واقعات تاریخی يك قلعه ولو هر قدر هم کوچک باشد به ذات خود و ارتباط آن به محیط های کلان تر يك شهر و يك کشور و يك منطقه بزرگتر بشمول همسایگان و تاریخ عمومی و بین المللی هر کدام بجای خود ایجاب میکنند تا ارتباط و تسلسل واقعات تا حد امکان مراعات شود.

در جلد اول با اینکه منظور نظر اصلی در آغاز کار تنها با لاجسار بود
رفته رفته همین عامل ارتباط و تسلسل واقعات ملحوظاتی پیش آورد که محیط کابل
علاوه به محیط با لاجسار در شرح پیش آمده ها مد نظر گرفته شود و به همین
علت از محیط شهر کابل به محیط افغانستان حتی خارج قلمرو کشور هم قدم
هائی گذاشته شد.

در جلد اول این اثر با اینکه دامان زمان طولانی بود و از قدیم ترین زمانه ها
اقلاً از قرن دوم مسیحی تا سقوط با لاجسار کابل در حمله نادر افشار در ۱۱۵۱
هجری قمری (۱۷۳۶ م) در حدود یک و نیم هزار سال را در بر میگرفت با اینکه
تقریباً هشتصد عنوان در حاشیه صفحه ها قرار دادیم معذرت بعلت فقدان
مدارك و اسناد تاریخی که پایه اصلی این کتاب بر تذکرات متون مربوطه قرار داده
شده است پیش آمده های تاریخی مربوط به خود با لاجسار نسبتاً کمتر بود. درین
جلد که از سقوط با لاجسار کابل بدست نادر افشار و شروع دوره سد و زائی به
بعد تا ویرانی قلعه تاریخی به امر جنرال رابرت انگلیس از حوالی ۱۱۵۱ یا
۱۱۶۰ تا ۱۱۹۶ (به حساب میلادی از ۱۷۳۶ یا ۱۷۴۷ تا ۱۸۲۹) در حدود یک و نیم
صد سال را در بر میگردد با اینکه دامنه وقت بسیار کوتاه است سلسله واقعات به
مراتب طولانی تر میباشد. بعبارت دیگر چون درین یکصد و پنجاه سالی که
حدود آنرا قید کردیم ماخذ و مدارک نسبتاً زیاد است و یک قسمت واقعات را مناع
خارجی هم ضبط کرده است سلسله پیش آمده ها طولانی تر بنظر میرسد و یقین
است وقتی هم خواهد رسید که به مقتضای اهمیت گذارشات در ردیف کردن آن
روز بروز هم مجبور خواهیم شد.

سلسله پیش آمده های تاریخی در جلد اول با لاجسار کابل بتاریخ ۲۲ ربیع الاول
۱۱۵۱ (جولائی ۱۷۳۶ م) به واقعه سقوط با لاجسار بدست گماشتگان نادر قلی افشار
خاتمه یافت. از آن تاریخ به بعد تا ۱۱۶۰ که اعلیحضرت احمد شاه بابا در شیر سرخ قندهار
به پادشاهی انتخاب شد در ظرف ۹ سال وضعی مبهمی در کابل و تقریباً در تمام خاک
های افغانستان بمیان آمده بود به این معنی که نادر افشار با فتح دهلی محمد شاه
کور گمانی را کماکان بجایش گذاشت و خود با پول و ثروت سرشار بعد از ۵۸ روز
از آن شهر مراجعت کرد و تاروژی که از طرف قوم خود و اطرافیان نزدیکش در فتح
آباد خبوشان از مضامین مشهوره بقال رسید. یکشنبه ۱۴ ماه جمادی اخیر سال ۱۱۶۰

هجری قمری) دولت کورگانی هند از یکطرف و عمل نادر افشار از جانب دیگر به اعمال نفوذ میپرداختند و عکس العمل هائی علیه مردم و طرف از کپساران افغانستان نشان داده میشد. در کابل دست نشانده ناصر خان آخرین صوبه دار محمد شاه کورگانی اظهار وجود میکرد و در غزنی بنا بر بعضی روایات کسی دیگر از طرف نادر افشار خویش را حاکم شهر میدانست و در صفحات شمال مخصوصاً در بلخ در حدود دوازده هزار نفر به دور درویشی که عصمت الله نامی را به فرمانداری برداشته بود علیه نادر برخاسته و در اجنای نفوذ وی در آن نواحی صرف سعی میکرد.

این وضع بلا تملیفی و مشکوک با انتخاب شدن احمد خان درانی به پادشاهی افغانستان به سال ۱۱۶۰ هجری قمری (۱۷۴۷ میلادی) خاتمه یافت.

دوره سدوزائی

جلد دوم بالا حصار کابل و پیش آمدهای تاریخی با دوره سدوزائی شروع میشود این دوره در تاریخ افغانستان با جلوس احمد شاه بابا در شیر سرخ قندهار (ماه شوال ۱۱۶۰ = اکتوبر ۱۷۴۷ م) آغاز یافته در کابل بعد از (۹۸) سال با امارت چند ماهه فتح جنگ پسر شاه شجاع در چهار دیواری بالا حصار کابل در ۱۲۵۸ (۱۸۴۲ م) و در هرات با کشته شدن شهزاده کامران (۱۲۵۶ هجری = ۱۸۴۰ م) خاتمه می پذیرد و تقریباً صد سال تاریخ مملکت را فرا میگیرد.

از نظر مرام این کتاب که پیش آمدهای تاریخی را در کابل و مخصوصاً در بالا حصار شهر تعقیب میکند يك واقعه اهمیت خاصی دارد و آن انتقال پادشاهی است که به تاریخ ۱۱۶۸ قمری در سال اول جلوس تیمورشاه درانی صورت میگیرد و چون بالا حصار وارگ آن محل تقرر پادشاهی و کانون اداره ممالک بشمار میرفت در طی سده ربع دیگر عصر سدوزائی سلسله پیش آمدها به تدریج زیاد میشود شبهه نیست که در واقعات صدساله دوره سدوزائی مخصوصاً بعد از فاجعه قتل سرداران درانی به امر شاه زمان در قندهار (۱۳۱۴) برخی وقایع مربوط به بارگ زائی ها و بعد از ۱۲۵۴ با تاج پوشی اول امیر دوست محمد خان در عید گاه سیاه سنگ کابل قسمتی از پیش آمدهای مربوط به محمد زائی ها هم در بین می آید ولی اینها همه ضمنی است که به اسل جریانات دوره سدوزائی پیوست میگردد.